



گفت و گو درباره‌ی تجربه عکاسی شهری؛

نمایشگاه گروهی عکس بافت تکه تکه

حمیدرضا شبیانی / پژوهشگر شهرسازی

استاد ارجمند مهدی پارسایی باید حافظه تاریخی داشته باشیم و نسل‌های بعد پژوهش کنند معماری و شهرسازی حال معاصر را ... آیا این جریان فرهنگی و هنری چشم انداز مشخصی دارد؟

همانگونه که در سؤال اشاره کردید این نمایشگاه، یک جریان است و از خواص آن پویایی و مولد بودن است. بنده و تمامی عوامل به تداوم نمایشگاه فکر کرده‌ایم از بیست و چهار تصویر از میان گروه ده نفره، که تلاش بی وقته‌ای در روند و شکل‌گیری کار داشته‌اند این عزیزان عبارت‌اند از خانها: فرزانه شناسا، هاله کاظم‌پور، نگارعلوی و ثنا شناسا. آقایان: علیرضا خسروی، محمدرضاهاژبر، پویان پناهی، مهدی مردی، هادی پورکاظمی خالص و احمد صیادی. تمامی این دوستان دغدغه‌مند هستند. «دغدغه‌های فرهنگی، هنری که رابطه دیرینه‌ای با تاریخ و حافظه شهرشان دارد. بافت تاریخی به دلیل برخورداری از ارزش‌های غنی فرهنگی به عنوان میراثی ارزشمند از تمدن شهر باستانی اهمیت ویژه‌ای دارد. بافت تاریخی بر این اساس مکان انباشت خاطره‌های جمعی و فرهنگ شهری و تنها مکانی است که قدرت پاسخگویی به نیاز فطری و عاطفی هویت

در گذشته به علت نزدیک بودن فضاهای کار و زندگی و تفریح و گذراندن زندگی به صورت جمعی، ساکنین یک محله هم با یکدیگر احساس خویشاوندی و هم به محله خود احساس تعلق داشتند و این حس به دلیل داشتن خاطرات مشترک در یک محله بوده است. نمایشگاه گروهی عکس بافت تکه تکه شامل چند اثر است، عوامل را معرفی کنید: بیست و چهار تصویر از میان گروه ده نفره، که تلاش بی وقته‌ای در روند و شکل‌گیری کار داشته‌اند این عزیزان عبارت‌اند از خانها: فرزانه شناسا، هاله کاظم‌پور، نگارعلوی و ثنا شناسا. آقایان: علیرضا خسروی، محمدرضاهاژبر، پویان پناهی، مهدی مردی، هادی پورکاظمی خالص و احمد صیادی. تمامی این دوستان دغدغه‌مند هستند. «دغدغه‌های فرهنگی، هنری که رابطه دیرینه‌ای با تاریخ و حافظه شهرشان دارد. بافت تاریخی به دلیل برخورداری از ارزش‌های غنی فرهنگی به عنوان میراثی ارزشمند از تمدن شهر باستانی اهمیت ویژه‌ای دارد. بافت تاریخی بر این اساس مکان انباشت خاطره‌های جمعی و فرهنگ شهری و تنها مکانی است که قدرت پاسخگویی به نیاز فطری و عاطفی هویت



آیین گشایش نمایشگاه گروهی عکس بافت تکه تکه بیست و هشتم اردیبهشت ماه، با حضور معاون حوزه هنری استان فارس مهدی پارسایی انجام گرفت این درحالی است که آثار با نگاهی ویژه به بافت تاریخی شهر شیراز و با رویکرد حس تعلق به میراث یک شهر است. در این باره با پژوهشگر حمیدرضا شبیانی گفت و گویی داشته‌ایم:

وی در پاسخ به نحوه شکل‌گیری و برپایی نمایشگاه گروهی عکس بافت تکه تکه چنین می‌گوید:

نمایشگاه عکس بافت تکه تکه صرفاً بافت تاریخی شیراز را بررسی کرده و در نمایشگاه آبی شهر را از دروازه قرآن تا مخفی‌ترین لایه‌ها و بستر شهر پژوهش خواهیم کرد. بعید میدانم کسی نگران درختان، جوی‌ها، پل‌ها، کوچه‌ها، زیاله‌ها و حتی حیوانات شهر باشد. شهر شیراز به تبعیت از کلانشهرهای کشور در حال شدن و دیگرگونه شدن است و هیچ کس به جزئیات و این تکه‌ها توجه نمی‌کند. همه شهر را در کلیت و یکپارچگی و حرکت آن می‌جویند و می‌یابند. شهر تکه تکه شده تنها در خاطره‌هایمان شکل می‌گیرد. بافت تکه تکه شده دوستانم روزهای معمولی و هر روزه بافت تاریخی شهر شیراز است که به گمانم چندین سال دیگر به خاطره‌ها سپرده خواهد شد و مثل همه یادها و یادگارها به چشم ما عزیز خواهد شد.



کاروانسرای حاج آقا جانی / محمدرضاهاژبر

طبیعی شهروند امروز را دارد. درباره تصاویر نکته‌ای اگر هست اشاره بفرمایید؟ از آنجا هنر آن هم هنر عکاسی بسیار گویا و صراحت در بیان دارد، تصویری از کاروانسرای حاج آقا جانی گرفته شده است و مفهوم کلی و شاه‌بیتی است که می‌خواهم برای شما آن را تشریح کنم. در این تصویر سرای مشیر با الحاقاتی رویبر است که سؤالی برای مخاطب به وجود می‌آید که پوشش سقف بنایی تاریخی باید اینگونه باشد؟ برداشت دوم از این تصویر به اندازه کافی گویا و قابل مشاهده است که به قول

شد «کوچه، خیابان، پله، جوی آب، زیاله، تخریب‌گری‌ها، بتن در اجتماع خشت‌ها و... میان آنان تقسیم شد. بر آن شدند تا بافت قدیم شیراز را در لایه‌های هزارتویی ببینند. بافتی که هیچ‌گاه فراموش نمی‌کند خاطراتش را اما به دست فراموشی سپرده می‌شود، گاه به دست واژه‌های مرکب خورده توسعه و آبادانی ... تصور این بوده است که گذشته را پاک کنیم و حال نوینی را تشکیل بدهیم، در حالی که نداریم و چیزی نیست که امتداد تاریخی را برای ما نگه دارد، به عبارتی با فروپاشی هر نبشی و دیواری در شهر، بخشی از ذهن ما فرو می‌ریزد و دچار سرگشتگی می‌شویم و ذهن شهروند را معشوش می‌کنیم، چرا؟ چون مکان‌های مرجع را از بین می‌بریم و مکان مرجع حتماً نشانه نیست، بلکه مکان مرجع ذهنی و خیالی است.

تدریس کلام به روش معتزله بودند. نقش امرا و وزرای آل بویه در تأسیس کتابخانه‌ها قابل توجه است. علاوه بر کتابخانه عضدی شیراز، ابو منصور بن مافنه، وزیر ابوالکلیچار، کتابخانه‌ای در فیروزآباد دایر کرد که هفت هزار جلد کتاب داشت. بنابراین، عصر آل بویه، عصر کتاب و کتابخانه بود. حجم عظیمی از کتابهایی که در علوم و فنون مختلف (اعم از: فقه، تفسیر، حدیث، تاریخ، جغرافی، ریاضی، نجوم، طب، فلسفه، کلام، شعر، لغت و ...) به رشته تحریر در آمده، گواه روشن، رونق علم و دانش و گسترش فرهنگ و علوم و توجه به آن در این برهه از تاریخ است آنچه گذشت شرح مختصری از زیر بناها و مراکز علمی آموزشی در فارس بود. از مطا لب فوق، می‌توان نتیجه گرفت که ساختن مراکز علمی در اکثر شهرهای فارس توسط امیران و وزیران دانشمند و دانش دوست آل بویه و آماده شدن این مراکز و وجود جو تساهل و تسامح دینی در این دوران موجب، روی آوردن علما و دانشمندان از هر ناحیه به این منطقه شد و این عوامل رونق علم و دانش در فارس را در پی داشت.

نمایشگاه عکس بافت تکه تکه / غزاله میرابی



آب، باد، خاک، آتش

سمیرا ناموراصل / کارشناس ارشد و پژوهشگر معماری



سرامیک‌های سنگ گونه‌ای بسازیم که نه تنها به اندازه‌ی حجم دست‌هایمان بلکه به گنجایش حجم زندگیمان باشد». این معمار بزرگ راه با ارزشی را پیموده و ادامه راه را برای پیروانش هموار کرده است. به راحتی می‌توان گفت بی‌انصافی بزرگی در حق خودمان کرده‌ایم اگر سرسری از کنار ایده‌ی «گلتافتن» بگذریم، چرا که کشور ما سرزمین زلزله خیزی است و خانه‌های فرسوده بسیاری در گوشه کنار آن چه در روستا و چه در کلان شهرهایش قرار دارد. مسئله‌ای که این روزها بحث داغ و مشکل بزرگ کشور به حساب می‌آید، اگر زلزله‌ای به بزرگی زلزله طبس یا بم در شهرهای دیگر بیاید چه می‌شود؟ مسلماً فاجعه‌ای عظیم رخ خواهد داد. شاید نتوان جلوی زلزله را گرفت اما با جدی گرفتن خانه‌های سرامیکی که با کمترین هزینه ساخته می‌شوند می‌توان کمک بزرگی در کمتر کردن آسیب بعد از آن شد. چه بسیار خانه‌هایی هستند که تنها با کمی خاک، آب و آتش به راحتی به «وقتی که در صحرا بودم، با ۵ عنصر ابدی آشنا شدم: خاک، باد، آب، آتش، مولوی».

با من و تو مرده با حق زنده‌اند وقتی برای اولین بار توانست ایده‌ی پختن خانه‌ی خشتی و تبدیل آن به خانه‌ی سرامیکی را عملی کند، گوشه‌ای نشست و با چشم دل به ساخته‌ی خود نگریست و این کلمات را با خود زمزمه کرد: «اکنون دیگر زمان آن رسیده است که ظروف سفالین خود را به اندازه‌های جدیدی بیافرینیم. از رحم کوچک یک کاسه گام بیرون گذاریم و به فضای یک اتاق وارد شویم... اکنون دیگر زمان آن رسیده است که سفال‌ها، چینی‌ها و ساینده‌ها را با حق زنده‌اند».

قسمت اعظم معماری دوره آل بویه، معماری بناهای علمی و آموزشی است

محمد باقر ابراهیمی / پژوهشگر و مدرس دانشگاه



آن یافت نمی‌شود و دارای ستون‌هایی به طرز ستون‌های مسجد الاقصی است». به گفته مقدسی: «در استخر جامع آن مانند جامع‌های شام است، در سروستان جامع در میان شهر است، در کنار شهر شاپور دژی است که جلوی آن مسجدی است و در میانش مسجد دیگر که، با سنگ سیاه فرش شده و از وجود جامع در شهرهای نیریز، فسا، ... یاد می‌کند». بیمارستان‌ها به عنوان یکی دیگر از مراکز علمی به حساب می‌آیند که، مقدسی از بیمارستان عضدی شیراز و موقوفات فراوان آن یاد می‌کند و آن را در جهان بی نظیر می‌داند و می‌گوید: «پزشکان ماهر و پرستاران و کارمندان در آن فعالیت دارند». عضدالدوله در داخل بیمارستان مدرسه‌ای تأسیس کرد که در آن پزشکان، دانش پزشکی را تعلیم می‌دادند. معمولاً در مدارس دارالشفا، طب و حکمت تدریس می‌شد. در فارس، پادشاهان بویه کتابخانه‌های عظیم داشتند، مقدسی کتابخانه‌ی عضدالدوله دیلمی را در شیراز دیده و درباره‌ی آن گفته است: «هیچ کتابی تا عهد عضدالدوله در انواع علوم تألیف نشده بود، مگر آنکه در آن کتابخانه جمع شده باشد و کتب مربوط به هر یک از انواع علوم و اتاق‌های معینی جمع آمده بود». یکی از کتاب عضدالدوله دیلمی نیز به نام ابو علی سوار کتابخانه‌ای در شهر رامهرمز ایجاد

از نظر وسعت و رواج علم و ادب، عصر آل بویه را می‌توان از ممتازترین دوره‌های اسلامی به شمار آورد. امیران آل بویه به نوبه خود در تجلیل دانشمندان، تأسیس مراکز علمی و دایر نگاهداشتن آن‌ها و تشکیل کتابخانه‌های بزرگ، سهم فراوانی دارند و مهمترین عامل پیشرفت دانش‌ها و رونق مراکز علمی و رغبت طلاب و دانشجویان به امر تحصیل و مطالعه پرداختند. پژوهش حاضر به بررسی بناهای علمی فرهنگی فارس در دوره آل بویه می‌پردازد. نقل است که شیراز در عهد دیالمه چنان معمور و آبادان بود، که آوازه معموری و رفاهیت آن به جمع دیار و اقالیم رسید و از هر طرف به آن جا روی آوردند. گرمی بازار دانش و آموزش در این دوره از تاریخ آموزش و پرورش فارس که، با روزگار حکمرانی آل بویه در فارس تقارن داشته است، باعث شد تا از برکت دانش دوستی و ادب پروری بیشتر حکمرانان این دودمان، شیراز، مقرر حکمرانی آنان به دارالعلم یعنی شهر دانشگاهی شهرت پیدا کند. شیراز از جمله شهرهای بزرگ آن دوره بوده است که، انبوه دانشمندان و دانش پژوهان با مساجد، کتابخانه‌ها، بیمارستان‌های بزرگ، مرکز را به صورت دارالعلم معتبر و شهر بزرگ دانشگاهی آن دوران قرار داده بود. وجود چنین زیر بناهای علمی و فرهنگی مثل مساجد، کتابخانه‌ها و بیمارستان‌ها و... یکی از عوامل رونق علم و آموزش فارس در این دوره بود. مساجد، بعد از مکتب خانه‌ها، به عنوان یکی از نخستین و مهمترین مراکز علمی و آموزشی به حساب می‌آیند. در فارس نیز از ورود اسلام به این منطقه تا قرن چهارم شاهد وجود مساجد و جامع‌های زیادی در شهرهای مختلف این منطقه هستیم، همچنان که مقدسی، جغرافی دان قرن چهارم، که از فارس دیدن کرده یا افراد ثقه به او گزارش داده‌اند، نقل کرده که، تمام شهرهای بزرگ منطقه‌ی فارس دارای جامع بودند، که بعضاً از لحاظ بزرگی و عظمت از جامع شیراز، بزرگ‌تر و بهتر بوده است. به عنوان نمونه، در وصف مسجد جامع عتیق شیراز این طور آمده است که: «شیراز مسجد جامعی دارد که در هشت اقلیم نظیری مانند